

علم أصول الفقه

۱۳-۱۲-۹۱ مبادئ مختص تصديقي ۵۷

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

دلایل اصولی‌ها در نگاه شهید صدر

- سخن شهید صدر به یک معنا درست است؛ زیرا ما قبلاً گفتیم: انسان موجودی مختار و دارای اراده است و رفتارهایش از اراده نشأت می‌گیرد. بین واقعیات - یعنی هست‌ها و نیست‌ها - و فعل ارادی انسان، اموری قرار دارد به نام باید‌ها و نباید‌ها که منشأ اراده‌ی وی می‌شود. بنابراین به طور کلی در تمامی اعتبارات - چه عقلی، چه شرعی و چه عقلایی - داعی اعتبار و به تعبیر دیگر حکمت اعتبار، همین تحریک است.

دلایل اصولی‌ها در نگاه شهید صدر

- تحریک گاهی مستقیماً به اعتبار صورت می‌گیرد - مثل مواردی که حکم تکلیفی اعتبار می‌شود - و گاهی غیر مستقیم انجام می‌شود - مثل مالکیت - ظاهراً در مالکیت باید و نبایدی وجود ندارد؛ مالکیت رابطه‌ای است بین شخص مالک و مال.
- اما این حکم وضعی منشأ یک سری احکام تکلیفی است. بر اساس آن مالک برای تصرف در مال خویش نیازمند اذن دیگران نیست؛ اما تصرف دیگران منوط به اذن مالک است.

دلایل اصولی‌ها در نگاه شهید صدر

- بنابراین جعل و اعتبار برای جهت دادن است و با این وصف دلیل سوم به همان دلیل دوم باز می‌گردد.
- اگر معتقد باشیم محرکیت تعلیقی است، اصلاً نقض غرضی هم پیش نمی‌آید؛ اما اگر بپذیریم محرکیت، تنجیزی است، ردع حجیت یقین از سوی شارع، نقض غرض وی را به همراه دارد.

دلایل اصولی‌ها در نگاه شهید صدر

- با این توضیحات مآلاً دلایل سه گانه بیانگر دو دلیل زیر هستند:
- ۱. ردع حجیت یقین، مستلزم تضاد به لحاظ مبادی احکام است.
- ۲. حجیت یقین به نحو تنجیزی اعتبار می‌شود، از این رو، قابل ردع نیست.
- اما آیا این دلایل، دلایل تام و کاملی هستند؟ جواب این سؤال با توضیحی که در ذیل هر دلیل می‌آید، واضح می‌گردد:

دلایل اصولی‌ها در نگاه شهید صدر

- دلیل اول شهید صدر: همان طور که گفتیم این دلیل بنا بر بعضی مبانی اختیار شده در بحث جمع حکم ظاهری و واقعی، دلیل تام و کاملی نیست. قبلاً شاهد بودیم برای حل مشکلی که در جمع حکم ظاهری و واقعی وجود داشت، راه حل‌های مختلفی مطرح گردید.

دلایل اصولی ها در نگاه شهید صدر

- یکی از آنها تصویب بود که اصلاً صورت مسأله را بر هم زد و ما کمی قبل به آن اشاره کردیم.
- دیگری بحث جعل بود. برخی بر این اعتقاد بودند که ملاک حکم واقعی در خود مجعول است و ملاک حکم ظاهری در جعل.
- اگر این مبنا را بپذیریم در اینجا هم می توانیم بگوییم: ملاک حکمی که توسط یقین مطرح می شود در متیقن و متعلق یقین است و ملاک ردع شارع در خود ردع است؛ نه در متعلق یقین.
- بنابراین تضاد موجود قابل ردع حل خواهد بود.

دلایل اصولی ها در نگاه شهید صدر

- مبنای دیگر در مسأله‌ی جمع حکم ظاهری و حکم واقعی، مصلحت سلوکیه‌ی شیخ انصاری بود. شیخ فرمود: ملاک حکم واقعی در فعل و ملاک حکم ظاهری در تبعیت از آن است.
- بنابراین مبنا نیز، ردع حجیت یقین معنادار است. زیرا تبعیت از این دلیل می‌تواند مفسده‌ی واقعی را که متوجه مکلف می‌شود یا مصلحت واقعی را که از دست مکلف می‌رود، جبران نماید.
- به اندازه‌ای که مکلف از دلیل ردع یقین تبعیت می‌کند، جبران صورت می‌گیرد. با این وصف ما می‌توانیم بر اساس این مبنا تضاد بین یقین و حجیت یقین را رد نماییم.

دلایل اصولی‌ها در نگاه شهید صدر

- اما بر اساس مبنای شهید صدر ملاک جعل حکم ظاهری نه در خود جعل است و نه در تبعیت از آن؛ بلکه ملاک در همان احکام واقعی است و حکم ظاهری اصلاً ملاک مستقلاً از ملاک احکام واقعی ندارد. همان ملاکات احکام واقعی منشأ جعل حکم ظاهری است. بر اساس این مبنا مولی در موقعیتی قرار گرفته که به دلیل جهل عبد نسبت به واقع، ناگزیر است بعضی مصالح واقعی خویش را فدای بعضی دیگر کند و به جعل حکم ظاهری بپردازد.

دلایل اصولی‌ها در نگاه شهید صدر

- با این وصف مسلماً در جایی که هیچ گونه خفایی وجود ندارد و مکلف واقع را به طور کامل مشاهده می‌کند، معنا ندارد مولی گرفتار تراحم حفظی شود و به جعل احکام ظاهری پردازد.
- پس دلیل تضاد به لحاظ مبادی و ملاکات احکام در نظر شهید صدر و با توجه به مبنای مختارش در مسأله‌ی جمع حکم ظاهری و واقعی، دلیل تام و کاملی است و در صورت ردع یقین از سوی شارع لااقل در نظر متیقن تضاد رخ می‌دهد و این تضاد با راه حلی که در مسأله‌ی جمع مطرح شد، قابل رفع نیست.

دلایل اصولی ها در نگاه شهید صدر

- دلیل دوم شهید صدر: در این دلیل شهید صدر تلاش می نماید با بیان استدلال گونه‌ی خویش تنجیزی بودن حکم عقل را در موارد یقینی ثابت نماید.
- البته بیان ایشان در این مقام چیزی جز تنبیه بر بدیهی نیست و نمی توان نام برهان بر آن نهاد.

دلایل اصولی‌ها در نگاه شهید صدر

- مسأله این است که آیا حجیت برای یقین به نحو تنجیزی صادر می‌شود یا به نحو تعلیقی؟
- به بیان دیگر آیا حکم عقل به عمل بر طبق یقین، بر شرط یا حالت خاصی توقف ندارد یا توقف دارد و منوط به عدم نفی شارع است؟
- در صورتی که حکم عقل بر امر دیگری توقف نداشته باشد، مجالی برای ردع شارع باقی نمی‌ماند؛ اما اگر حکم عقل منوط به عدم ردع شارع باشد، در صورتی نافذ خواهد بود که ردعی صورت نگرفته باشد.